

## Unit17 book 5

### وکیل

یک وکیل کسی است که به دیگران مشاوره در مورد قانون می دهد.  
وکیل در مقابل قاضی برای من ظاهر شد.

### مزمن

هنگامی که چیزی مزمن است، در طول زمان دوباره و دوباره اتفاق می افتد.  
او درد مزمن در قفسه سینه خود داشت و نیاز به دیدن یک دکتر داشت.

### انضباط

نظم و انضباط آموزش است که به مردم کمک می کند تا قوانین را دنبال کنند.  
یکی از مشاغل معلم این است که تا دانش آموزان خود را با ضوابط آشنا کند.

### اهدا کننده

یک اهدا کننده کسی است که چیزی را به یک سازمان می دهد.  
او افتخار می کرد که یک اهدا کننده خون باشد.

### همکار

یک نفر کسی است که شغل یا کیفیت را با شخص دیگری به اشتراک می گذارد.  
همه بیماران من در بیمارستان نیز در مورد غذا شکایت کرده اند.

### شایعات

شایعات اطلاعاتی است که ممکن است نادرست باشد، اما به هر حال هنوز بحث میشود.  
دوستان شایعاتی را در مورد افرادی که در مدرسه می شناسند مبادله می کنند.

### فارغ التحصیل

فارغ التحصیلی از مدرسه به معنای تکمیل و تصویب تمام دوره های تحصیل در آنجا است.  
در پایان بهار، دوستان من و من از دبیرستان فارغ التحصیل خواهم شد.

### گرافیتی

گرافیتی کلمات یا نقاشی ها در مکان های عمومی است.  
دیوار با گرافیتی رنگارنگ پوشیده شده بود.

### نگهبان

یک نگهبان کسی است که از کسی یا چیزی محافظت می کند.  
مسئولان کتابخانه نگهبانان کتاب هستند.

### دخالت داشتن

دخالت داشتن کسی ، نشان می دهد که آنها یک جرم یا چیزی بد را انجام داده اند.  
مرد در سرقت در فروشگاه دخالت داشت.

### قوم

قوم خانواده و بستگان فرد است.

قوم او همه کشاورز بودند.

داور

یک داور یک فرد است که اطمینان حاصل می کند که قوانین در ورزش دنبال می شود. بازیکن فوتبال با داور موافق نبود.

جداسازی

جداسازی چیزی این است که به طور کامل آن را برش دهد. او رشته را با استفاده از قیچی قطع کرد.

میله

میله یک دسته از یک ابزار یا سلاح است. باشگاه گلف دارای یک میله چوبی طولانی بود که او در دستان خود برگزار کرد.

چاقو زدن

به معنای برش دادن کسی یا چیزی با یک جسم تیز مانند چاقو است. او چنگال را به سیب زمینی زد و آن را به دخترش داد.

محرک

محرک چیزی است که باعث رشد یا فعالیت می شود. داشتن پول زیادی یک محرک برای مردم برای خرید چیزهای بیشتر است.

سوء ظن

یک سوء ظن احساسی است که چیزی ممکن است یا صحیح است در یک جرم. پلیس سوء ظن کرد که راننده کیف پول را دزدیده بود.

خاتمه دادن

خاتمه چیزی به معنی توقف یا پایان دادن به آن. سفر پس از خراب شدن ماشین قطع شد.

موضوع

یک موضوع مبحث اصلی یک کتاب، فیلم یا نقاشی است. دانش آموزان موضوع کتاب را در کلاس مورد بحث قرار دادند.

شهریه

هزینه تحصیل مبلغ پولی برای رفتن به مدرسه است. تحصیلات دانشگاهی در پنج سال گذشته پنجاه درصد افزایش یافته است.

"من این کار را نکردم!"

بیلی در دردسری بزرگ بود. روز قبل، یک اهدا کننده به مدرسه یک نقاشی با یک موضوع ورزشی داد. موضوع نقاشی از این قرار بود که داوری دو ورزشکار را تقدیر میکند. مدیر این نقاشی را در مقابل دفتر آویزان کرد، امیدوار بود که این یک محرک برای دانش آموزان برای بازی کردن ورزش باشد. صبح روز بعد، نقاشی نابود شد. گرافیتی بر روی آن وجود داشت، و روی آن سوراخ های زیادی داشت. بدترین بخش این بود که یکی از دانشجویان بیلی گفت که او فکر می کرد او بیلی را در حال انجام چنین کاری دیده است!

اما بیلی این کار را نکرد. مدیر به والدین بیلی زنگ زد و گفت: "بیلی به ما حقیقت را نمی گوید. او دروغگو است و نقاشی را ویران کرد. اگر شما آن را پرداخت نکنید، آموزشش را در اینجا متوقف می کنیم."

والدین بیلی پول کافی برای پرداخت نقاشی و هزینه تحصیل نداشتند. اما والدین بیلی یک ایده داشتند. بعد از ظهر، آنها برای دیدن آقای میرز، وکیل رفتند.

"آقای میرز. پدر بیلی گفت: "پسر من در یک جرم دخیل بوده است. او میگوید انجام نداده است! و هر کسی این شایعه را باور دارد. حتی تعدادی از اقوامان فکر میکنند که او این کار را کرده است."

"من تو را باور دارم. سوء ظن من این است که نوار دوربین های امنیتی نشان می دهد که چه کسی واقعا آن را انجام داده است،" آقای میرز گفت.

روز بعد آقای میرز یک بسته را با نوار ویدئویی از مدرسه دریافت کرد. این دانش آموز دیگری را نشان داد که شبیه بیلی بود که به سمت نقاشی میرفت و مشغول نوشتن بر روی آن بود. سپس دانش آموز چاقو را به وسیله میله ای گرفت و شروع به ایجاد سوراخ های بزرگ در آن کرد. سرانجام، طناب را که نقاشی را نگه داشت، قطع کرد و نقاشی روی کف زمین افتاد.

آقای میرز نوار را به مدیر نشان داد. او گفت: "واضح است که این بیلی نیست." "این پسر در واقع مسئول است و نیاز به نظم و انضباط دارد."

بیلی خوشحال بود که کسی او را باور کرد. او به آقای میرز گفت: "وقتی فارغ التحصیل و رفتن به دانشگاه، من رشته قانون را خواهم خواند، تا بتوانم یک نگهبان از عدالت مانند شما باشم!"